

تحلیل حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جواد نوری^۱، ابوالفضل ضمیری^۲

^۱مقطع دکتری حقوق عمومی دپارتمان حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بنیادین ترین سند قانونی کشور، حقوق ملت را در قالب اصول مختلف بیان کرده است. این حقوق عمدتاً در قالب «حق، آزادی و مصونیت»، تعریف شده اند که به نظر می رسد از منظر نظری و عملی با چالش ها و فرصت های مختلفی مواجه هستند. اصل ۲۳ قانون اساسی ایران به صراحت به آزادی های فردی از جمله آزادی اندیشه و بیان و همچنین اصول دیگری مانند اصل ۳۴ و اصل ۳۶ نیز به مصونیت افراد در برابر شکنجه و بازداشت های غیرقانونی می پردازند لذا به نظر می رسد، قانون اساسی با ترکیب اصول مذهبی و حقوق بشری، تلاش دارد که ضمن حفظ منافع ملی و امنیت کشور، حقوق و آزادی های فردی را در چارچوب اصول اسلامی تأمین کند. در این پژوهش سعی شده است، به تحلیل و تبیین حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود، به ویژه اینکه چگونه این حقوق با توجه به اصول حقوق بشر و توسعه دموکراسی در راستای تأمین امنیت و رفاه عمومی تبیین و اجرا می شوند. یافته های پژوهش نشان می دهد که بررسی اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی ایران بین می دارد این حقوق نه تنها به منزله تضمین آزادی های فردی و اجتماعی، بلکه به عنوان رکن اصلی مشروعیت سیاسی و اجتماعی نظام مطرح شده است.

کلید واژه: حقوق ملت، قانون اساسی، آزادی های فردی، حقوق بشر

مقدمه

قانون اساسی هر کشور به عنوان عالی ترین سند حقوقی، جایگاه ویژه‌ای در تعیین حقوق و آزادی‌های ملت و چارچوب روابط میان دولت و مردم دارد. در ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی ترین مبنای حقوقی، اصول متعددی را به حقوق ملت اختصاص داده و تلاش کرده است میان «حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی» از یک سو و «مصونیت و امنیت عمومی» از سوی دیگر توازن برقرار سازد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷) اصول مختلف این قانون اساسی از جمله اصل ۲۳ در زمینه ی آزادی اندیشه، اصل ۳۴ درباره حق دادخواهی و اصل ۳۶ در ارتباط با مصونیت افراد از مجازات و بازداشت‌های غیرقانونی، جلوه‌ای از توجه قانونگذار به حقوق بنیادین ملت هستند. این اصول نه تنها بیانگر جایگاه حقوق ملت در ساختار سیاسی ایران‌اند، بلکه نشان می‌دهند که «حقوق آزادی» و «مصونیت» به عنوان دو رکن اساسی در ارتباط با کرامت انسانی، امنیت و عدالت اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر چالش مهمی که در اجرای این اصول وجود دارد، نحوه انطباق آنها با مبانی فقهی و الزامات سیاسی است، به گونه‌ای که گاهی میان حفظ حقوق و آزادی‌های ملت و ضرورت‌های امنیتی و دینی کشور تعارض ایجاد می‌شود. همین امر اهمیت تحلیل و تبیین این حقوق را پیش از پیش آشکار می‌سازد، زیرا تنها از طریق تفسیر دقیق و اجرای موثر اصول قانون اساسی است که می‌توان به تضمین حقوق ملت در ایران دست یافت. (حقوق بشر و حقوق اسلامی، بررسی تطبیقی، ۲۰۱۹، سروش، ۲۰۱۱) در عین حال بررسی تطبیقی میان قانون اساسی ایران و سایر نظام های حقوقی نیز نشان می‌دهد که ایران در بسیاری از موارد از اصول جهانی حقوق بشر تاثیر پذیرفته است، هرچند این اصول در چارچوب موازین اسلامی باز تفسیر شده‌اند. این رویکرد دو گانه باعث می‌شود که حقوق ملت در ایران همواره در نقطه تلاقی میان «جهان شمولی حقوق بشر» و «ویژگی‌های بومی-دینی» قرار گیرد. از همین منظر یکی از مسائل اساسی ارزیابی میزان موفقیت قانون اساسی در ایجاد تعادل میان این دو حوزه و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و سیاسی معاصر است. افزودن بر این تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی چهار دهه اخیر ایران نشان داده است که مطالبات مردم در زمینه حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی پیوسته در حال تغییر است. این تحولات ضرورت بازخوانی و تحلیل دوباره اصول قانون اساسی را برجسته می‌سازد تا بتوان کارآمدی آن در تضمین حقوق ملت را سنجید از این رو، مقاله حاضر نه تنها به تحلیل متنی قانون اساسی می‌پردازد، بلکه تلاش دارد چالش‌های اجرایی و راهکارهای تقویت جایگاه حقوق ملت در بستر نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز مورد بررسی قرار دهد.

به این ترتیب می‌توان گفت مطالعه حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطالعه‌ای استراتژیک و کاربردی است که نه تنها برای فهم بهتر مبانی حقوق کشور بلکه برای ارتقاء کارآمدی نظام سیاسی در پاسخ به مطالبات شهروندان ضرورت دارد.

فصل اول: بیان مفاهیم

گفتار اول: تعریف حق

در تعریف حق بیان شده، حق واژه‌است که در معانی راست و درست و همچنین در معنی «آنچه فرد یا پدیده ای سزاواری آن را دارد به کار می‌رود». همچنین در معنای دیگر، حق را به معنای « ثابت که انکار آن روا نباشد» و «آنچه ادای آن واجب باشد، حال در انگلیسی واقع، حکم مطابق با واقع». (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸: ۸۰۲) و در اصطلاح حقوقی معادل «در فرانسه گرفته شده است. نوعی دیگر آن در معنای حقوقی گفته شده که حق «عبارتست از توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد...» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۶۶۹) علاوه بر این در آیات قرآن کریم به واژه حق اشاره شده است: آیه ۶۲ سوره حج: تعریف این واژه در قرآن کریم به عنوان صفتی برای خدای متعال به کار رفته است و اینگونه بیان شده که: «این بدان سبب است که خدا حق است». علاوه بر این در جایی دیگر به عنوان فعلی حکیمانه مختص خدا بیان شده است که در این آیه به این صورت معنا شده که «که خدا آسمانها و زمین را و هر آنچه را که میان آنهاست جز به حق نیافریده است» (آیه ۸ سوره رم) علاوه بر این در آیه ۶۰ سوره رم: همچنین این واژه به عنوان وعده ای در قرآن نیز بکار رفته است بارها که وعده ی خدای

متعال حق است و به این شکل تعبیر شده که «پس صیر کن که وعده خدا حق است و»؛ اما واژه حق به طور کلی در قرآن کریم در مفهوم حقوقی آن نیز به کار رفته است به عنوان مثال حق داشتن که در عصر حاضر و در قالب حقوق بشر به طور جد مورد استفاده قرار می‌گیرد در واقع این کلمه در مصداق حقوقی آن و در راستای بیان صفتی برای انسان مکلف آمده است. علاوه بر این در آیه ۶۱ سوره ی بقره اینگونه آمده است که «خواری و بی نوایی و گرفتار خشم خدا بودنشان از آن روز که به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند» در این آیه خداوند متعال عمل کشتن پیامبران را کاری به ناحق بیان می‌کند پس واژه حق در اصطلاح حقوقی (حق داشتن) که مورد توجه فیلسوفان و حقوقدانان معاصر در عرصه ی حقوق بشر ملاک عمل قرار گرفته است ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن بیان شده است. همچنین در فقه مشهور فقهای امامیه برای حق (در مقایسه با حکم) سه ویژگی را برشمردند: اسقاط پذیری حق، نقل پذیری حق و انتقال پذیری حق (انصاری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۴). برخی استادان و ویژگی چهارمی را با عنوان امکان تعهد به سلب حق نیز اضافه نموده اند (محقق داماد، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸۷) در فرهنگ زبان عمید در مورد واژه حق چنین تعریف کردند که «حق به معنای راست، درست، ضابطه، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود ... یاد شده است. (حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹، چاپ سوم، ذیل واژه حق)؛ اما به لحاظ حقوقی دکتر کاتوزیان در کتاب مقدمه علم حقوق حق را چنین تعبیر کردند که: سلطه و اختیاریست که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها میدهد. (ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹) و با در جای دیگری چنین تعریف می‌کنند: امتیاز و نفعیست متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت میکند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را میدهد. (ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۴۲). دکتر جعفر لنگرودی نیز در کتاب ترمینولوژی حقوق ذیل واژه حق، معانی ذیل را به کار برده است: الف) اموری که د قانون پیش بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را حق گویند. حق به این معنی در مقابل حکم قرار می‌گیرد. ب) نوعی از مال است و در این صورت در مقابل دین، عین، منفعت و انتفاع بکار میرود، ج) قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده حق نامیده میشود؛ در فقه در همین معنی کلمه سلطه را بکار می‌برند. حق در این معنی دارای ضمانت اجراست و آن را حق تحقیقی و حقوق موضوعه و حقوق مثبت نیز گفته اند. (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کد ۱۷۲۲) و در جایی دیگر حق را قرار گرفتن چیزی در موضع خودش (که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده) نیز گفته اند (امین السلام طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، چسوم، ج ۴، ص ۱۰۱)

گفتار دوم: تعریف آزادی

آزادی در لغت نامه دهخدا چنین تعریف شده است که «آزادی؛ عتق؛ اختیار؛ خلاف بندگی؛ رقیبت؛ عبودیت، اسارت و اجبار و قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب است. (۱۳۷۷ ذیل واژه آزادی) فرهنگ عمید نیز آزادی را چنین معنی کرده است «آزاد بودن، رهایی، ضد بندگی، رها، یله، رسته و ارسته، بی قید و بند، نقض بند» (۱۳۶۱ ذیل واژه آزادی) در نگرش سیاسی اسلام، برای تعریف آزادی از واژه ی «حریه» استفاده میشود که نقطه مقابل عبودیت (غیر خدا) قرارداد (جوادی آملی ۱۳۷۵: ۱۸۶) فرهنگ جامع، در تعریف حریه آورده است «آزادی، آزاد مردی و زمین نرم و پر ریگ است.» همچنین امام خمینی (ره) از آزادی به عنوان یکی از حقوق اولیه بشری یاد میکند می‌فرماید «اینها (ملت ایران) دارند حقوق اولیه بشر را مطالبه میکنند» (همان، ج ۲، ص ۱۳۰) با توجه به این کلام نورانی میتوان گفت که آزادی از حقوق اولیه همه انسان ها و امری خدایی و فطری است. امام (ره) با نگاهی عمیق به مبانی اسلام درباره آزادی می‌فرماید: «در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی هست برای همه طبقات، برای زن و مرد، برای سفید و سیاه، برای همه» (همان، ج ۴، ص ۱۱۰). ایشان سیاست اصولی و خدشه ناپذیر نظام اسلامی را حفظ آزادی می‌داند و تصریح میکند: «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم» (همان، ج ۵، ص ۲۳۸).

علاوه بر این آیزیا برلین نظریه پرداز روسی آزادی را به ۲ قسم تعریف کرد:

۱- آزادی مثبت: داشتن امکان عمل کردن براساس اراده آزاد (اختیار) در یک فرد است یا به نوعی آزادی می‌تواند رهایی از محدودیت‌های درونی نیز باشد. (نبود اجبار درونی) ۲- آزادی منفی: آزادی از محدودیت‌های خارجی واردآمده بر عمل یک فرد است. اساساً این آزادی در رابطه با آزادی از قید‌های خارجی مطرح است. (نبود مانع بیرونی)

گفتار سوم: تعریف مصونیت

واژه مصونیت به معنای مصون ماندن، محفوظ بودن، حفظ شدن، مامون بودن معنی شده است (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳، انتشارات دانشگاه تهران) در اغلب کشورها امتیازاتی را تحت عنوان مصونیت برای برخی افراد در نظر می‌گیرند در کشور ما نیز قانون‌گذار قوانینی را در خصوص این موضوع وضع کرده است. در ادامه مقاله انواع مصونیت‌ها را بررسی می‌کنیم. انواع مصونیت‌ها: ۱- مصونیت قضایی: یکی از انواع مصونیت قانونی و سبب‌های معافیت از مجازات است که براساس آن تمامی گفته‌ها و نوشته‌های افراد در مراجع قضایی، که برای اثبات حقانیت یا دفاع از خود یا دیگری یا تلاش برای کشف حقیقت، ارائه می‌شوند مصون از تعقیب و مجازات است پس اگر این رفتار جرم محسوب شوند، قابل رسیدگی و کیفر نیستند، برای مثال اگر شخصی عمل مجرمانه‌ای را در دادگاه مرتکب شود؛ مثلاً دیگری را به ارتکاب متهم کند یا مطالبی اظهار کند که توهین آمیز باشد به این عنوان نمی‌توان وی را مورد تعقیب قرار داد مشروط به اینکه این افعال در ارتباط با موضوع دادگاه و ماهیت دعوا، و بدون تعدد برای انجام جرم باشد. واژه مصونیت قضایی گاه در اشاره به انواع دیگر مصونیت مانند مصونیت از تعرض قضات که بر اساس آن قضات تا زمان سلب مصونیت توسط دادگاه انتظامی قضات از تعقیب کیفری معافند یا تمامی انواع مصونیت قانونی نیز استفاده می‌شود. ۲- مصونیت دیپلماتیک: گونه‌ای از مصونیت قانونی است که دو کشور در قبال یکدیگر متعهد می‌شوند که دیپلمات‌ها و مقامات ارشد دولتی یکدیگر را تحت تعقیب قانونی قرار ندهند اما همچنان امکان اخراج آنان وجود دارد مصونیت دیپلماتیک همچنین شامل کارمندان سازمان ملل متحد و زیر مجموعه‌های آن سازمان که در مأموریت‌های کاری باشند نیز می‌شود این مصونیت به‌عنوان یک قانون بین‌المللی مبتنی برای قرارداد وین درباره روابط سیاسی برقرار شده اما پیش از آن نیز سابقه طولانی داشته است ۳- مصونیت پارلمانی: از انواع مصونیت قانونی است که براساس آن اعضای مجالس نمایندگانی و مجالس قانون‌گذاری از تبعات قانونی انجام وظایف خود مانند تحت تعقیب دادگاه قرار گرفتن یا اعلام جرم علیه آنها، یا اعمال پلیسی معافند. این مصونیت محدود به دوره نمایندگی نیست و پس از پایان دوره نیز نسبت به اعمالی که در دوران نمایندگی انجام شده پابرجا می‌ماند. شرایط رفع آن در کشور‌های مختلف متفاوت است. فلسفه وضع این مصونیت آن است که نمایندگان با توجه به شغل خود باید در مقام اظهار و گفتار آزاد باشند چرا که ممکن است در اظهار نظر‌ها و گزارش‌های وی مطالب کذب یا توهین‌آمیز یا تحریک‌کننده راه یابد و عدم وجود مصونیت مخل وظایف نمایندگی او خواهد بود چرا که نمایندگان در تصویب برخی قوانین و بیان برخی مطالب و برخی اعمال خود قطعاً در تعارض منافع با برخی مقامات دیگر قرار می‌گیرند و به همین جهت تحت فشار قرار دارند.

فصل دوم: تحلیل حق‌ها در قانون اساسی

حقوق ذیل به‌عنوان حقوق بنیادین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یاد شده است و دولت موظف به رعایت و اجرای آنهاست.

گفتار اول - حقوق بنیادین:

الف: حق کرامت و برابری انسانی: (اصول ۳۹، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۳، ۲۰، ۲۲، ۳۴، ۳۷، ۳۸) انسان به‌عنوان موضوع حقوق بشر و شهروندی در حوزه نظری و از حیث فردی دارای کرامت و در عرصه عملی و از بعد اجتماعی نیازمند عدالت است. و خداوند همه‌ی افراد را از ابتدای خلقت شرافت و عزت بخشیده و با تسبیط آنان برشاخه‌ای از مظاهر طبیعت آنان را اشرف مخلوقات قرار داده است این مرتبت عالی حق شایسته‌ای را که مبتنی بر صلح و عدالت باشد برای همه افراد بشر بطور یکسان و بدون تبعیض اقتضا می‌کند.

ب- حق آزادی و امنیت: (اصول ۳۲ تا ۴۱، ۳، ۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸) حق برخورداری از دادرسی عادلانه به‌عنوان هنجاری بین‌المللی برای حمایت افراد در برابر محروم یا محدود کردن غیر قانونی افراد از آزادی و سایر حقوق اساسی ایشان از جمله

حق بر حیات و آزادی شناخته میشود بر این اساس اگر قانونگذار کیفری در مرحله وضع قانون به بهانه حفظ نظم عمومی یا تأمین منفع بزه دیدگان اعمالی را جرم انگاری نماید باید در مرحله اجرا یعنی حوزه آیین دادرسی کیفری طی یک دادرسی عادلانه که در آن منافع متهم در برابر قوای عمومی تأمین شده باشد وی را محاکمه نماید.

ج- حق مشارکت در تعیین سرنوشت: (اصول ۷، ۲۷، ۵۹، ۳) هر دسته یا گروهی که خواستار راهپیمایی به هر مناسبتی هستند برابر قانون میبایست از وزارت کشور کسب اجازه کنند بنابراین راهپیمایی بدون مجوز از وزارت کشور به هر دستاویزی غیر قانونی ست و مامورین انتظامی برابر این قانون مکلف به جلوگیری از این راهپیمایی میباشند.

د- حق دادخواهی: (اصل ۳۴) گرچه موسوم است که دادخواهی را حق مسلم هر فرد در زمره حقوق بنیادین او به حساب آورند اما اعمال این حقوق بدون رعایت ضابطه نیست و بدون تعیین ماهیت اقامه دعوا نمیتوان قلمرو آن را شناخت. معیارهای حاکم بر دادخواهی را می توان در لزوم نفع مشروع ومنطقی جلوگیری از سوء استفاده از حق اقامه دعوا و اعمال حق دادخواهی برای یک نوبت خلاصه کرد.

و- حق حریم خصوصی: (اصول ۲۳، ۲۵، ۲۲) بارزترین مصادیق حریم خصوصی مورد پذیرش دیدگاههای مختلف حقوقی عبارتند از: اطلاعات شخصی و جسم افراد و منازل و اماکن خصوصی و ارتباطات خصوصی و نیز دسترسی به اطلاعات شخصی و افشای مسائل خصوصی افراد همچنین نظر قرار دادن و ایست و بازرسی های مدنی و شنود و کنترل انواع ارتباطات از عمده موارد نقض کننده حریم خصوصی محسوب می شود.

گفتار دوم- حقوق اجتماعی:

الف- حق مسکن: (اصل ۳۱) در راستای اجرایی کردن این اصل دولت باید از انبو سازان مسکن حمایت کرده و بدین وسیله بازار عرضه را متناسب با نیاز طبقات مختلف جامعه تأمین نماید. بر این اساس همساری و همکاری نظام بانکی در تأمین منابع و ارائه ی روش های مقرون به صرفه و تسهیل کننده بخصوص برای قشر جوان و تولید مسکن استیجاری و تملیک مشروط و اجاره های ۹۹ ساله زمین و واگذاری مقطعی و... از جمله راهکار های این اصل در جامعه است.

ب- حق اشتغال: (اصل ۲۸) در قانون اساسی برای انتخاب شغل محدودیتهایی پیش بینی شده و این محدودیت ها مغایرت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران است که قانون باید حد و مرز آن را مشخص نماید برای مثال اشتغال به خرید فروش مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا اسلحه و مهمات جنگی طبق قوانین موضوعه ممنوع است.

گفتار سوم- حقوق اقتصادی:

الف- حق مالکیت: (اصل ۴۷، ۴۶) در تعارض بین مصالح عمومی و حقوق ومنافع خصوصی و مصالح عمومی به دلیل تعلق آن ها به افراد جامعه و ارتباط آن ها با نفع عامه مقدم میباشد و سلب مالکیت خصوصی نیز در همین چارچوب و با رعایت ضوابط قانونی قابل توجیه است.

ب- حق کار: (اصل ۴۳) در اسلام اقتصاد وسیله ای هدف دار است و از این وسیله انتظاری جز کارایی بیشتر در وصول اهداف انتظار نمیرود با این دیدگاه تنظیم برنامه اقتصادی جامع به منظور فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های انسانی است. به همین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کاربری همه افراد و رفع نیاز های ضروری آنان جهت استمرار حرکت تکاملی انسان از جمله وظایف دولت است. از مصادیق مختلف تبعیض در کار آنچه به صراحت در قانون اساسی آمده است تبعیض در احراض مشاغل است و برابری در شرایط کار به صورت کلی مورد اشاره قرار میگیرد.

گفتار چهارم- حقوق فرهنگی:

الف- حق آزادی بیان و اندیشه: (اصول ۲۴، ۲۳) اولین گامی که برای کمک به تحقق مفاد دموکراسی برداشته شد حمایت از آزادی مطبوعات بود که بعد ها این آزادی به قلمرو فعالیت های سایر رسانه ها تسری یافت. این ابزار به ویژه برای آگاهی بخشی به مردم در بازه های زمانی انتخابات و سایر تصمیم گیری های مهم استفاده می شود.

ب- **حق دسترسی به اطلاعات:** (اصول ۱۶۵، ۱۶۰، ۱۶۷) علنی بودن دادگاه ها از موارد نظارت همگانی و مربوط به حقوق عمومی است بدین معنا که اطلاع مردم از جریان محاکمات آنها را متوجه صحت و سقم آن خواهد کرد و نتیجه آن اعتماد مردم به دستگاه قضا خواهد بود در این میان دعاوی خصوصی جز محاکمات خانوادگی انگیزه ای برای جلب عموم ندارد و وجدان عمومی در این خصوص حساس نیست. در این موارد اقتضا این است که در خواست طرفین در غیر علنی بودن دادگاه محترم شمرده شود.

فصل سوم: تحلیل آزادی ها در قانون اساسی

آزادی ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ۳ دسته ذیل تقسیم بندی می شوند: الف) آزادی های فردی، ب) آزادی های فکری واجتماعی، ج) آزادی های سیاسی.

گفتار اول - آزادی های فردی:

الف- **آزادی برابری و برخورداری از حق برادری:** (اصول ۳، ۴۳، ۲۰، ۱۹، ۱۴) براساس قرائت از این اصل، کرامت و حرمت انسان ها در تحلیل نهایی به کرامت و حرمت پارسیان و دین باوران راستین تقلیل میابد. صاحبان این تفکر عمدتاً به آیاتی از قرآن که ناظر به بی ارجی غیرمسلمانان و تشبیه آنها به چهارپایان است، استناد میکنند اما به نظر میرسد این آیات به معنای بی ارج بودن غیر مسلمانان یا فاقد هر شان و منزلت بودن آنان نیست یا بدان معنا نیست که آنها از حق حرمت و کرامتی که به تصریح قرآن مجید خداوند به انسان ها داده محرومند بلکه از انبوهی از حقوق برخوردارند و حتی مسلمانان به رعایت آنها مکلفند همچنین روایات زیادی از معصومان (ع) بر لزوم حفظ حیثیت و آبرو و کرامت همه انسان ها وجود دارد. امیر مومنان (ع) در نامه ای به استاندار خویس می فرماید انسانها دو دسته اند یا برادر در دین یا شبیه در انسانیت اند و بر رفتار انسانی با دواگره تاکید می فرمایند.

ب- **نفی بردگی و استثمار:** (اصول ۴۳، ۲، ۱۴۸، ۳) منظور از عدالت اداری آن است که اداره کنندگان جامعه باید با توجه به ویژگی افراد جامعه و صفات آنها با هر فردی به گونه ای که در خور اوست برخورد نمایند و بین افراد با ویژگی های مشابه تفاوتی قائل نشوند در غیر این صورت به عدالت اجتماعی خدشه وارد میگردد و منظور از عدالت توزیعی (که در این اصل هدف غایی قانونگذار اساسی است) توزیع منابع و تکالیف است و موضوع آن تخصیص عادلانه امکانات میباشد و طبق این اصل مهمترین وظیفه دولت ها جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت ها و منابع در دست افراد و گروه های خاص میباشد و و این دادگاه حقوقی، رقابت ابزاریست در دست دولت ها تا در راستای توزیع بهتر منابع و تخصیص بهتر امکانات کارایی و اثر بخشی را افزایش دهند.

ج- **آزادی های برخورداری های قضایی فردی:** (اصول ۲۰، ۱۶۹، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۱۶۵، ۳۳، ۳۲، ۳۴، ۱۰۷، ۳۵) حق برخورداری از دادرسی عادلانه به عنوان هنجاری بین المللی برای حمایت افراد در برابر محروم یا محدود کردن غیر قانونی افراد از آزادی و سایر حقوق اساسی ایشان از جمله حق بر حیات و آزادی شناخته میشود. براین اساس اگر قانونگذار کیفری در مرحله وضع قانون به بهانه حفظ نظم عمومی یا تأمین منافع بزه دیدگان اعمالی را جرم انگاری نماید باید در مرحله اجرا یعنی حوزه آیین دادرسی کیفری طی یک دادرسی عادلانه که در آن منافع متهم در برابر قوای عمومی تأمین شده باشد وی را محاکمه کند.

د- **آزادی حریم شخصی و خصوصی افراد:** (اصول ۲۲، ۲۵) حریم خصوصی با عنوان یکی از حقوق شناخته شده در اسناد حقوق بشری داخلی و خارجی گرچه با تعاریف گوناگونی در ادبیات حقوقی همراه بوده است اما فصل مشترک تمامی تعاریف واحد است و بمعنای رها بودن از مزاحمت های ناخواسته توسط عموم مردم در امریست که جنبه شخصی دارد و با جامعه در ارتباط نیست.

و- **آزادی برخورداری از حق عبور و مرور و اقامت در هر کشور و ترک آن:** (اصول ۲۰، ۳، ۴۲، ۴۱، ۳۳) آزادی رفت و آمد ممکن است یک حق بشری روشن و حداقلی بنظر برسد اما حقیقتاً یکی از بنیادی ترین حقوق بشر است که در صورت نقض آن مشکلات بیشمار و رنج ها و مشقت های بسیاری بر افراد تحمیل میشود و برای خروج بدون آزادی از کشور ممکن است افراد،

به لحاظ سیاسی مورد سرکوب واقع شوند یا از رعایت مذهبشان و بهره مندی از حق کار و تحصیل امتناع شوند بنابراین انکار آن درون مرزهای داخلی و بین المللی اثرات زیادی بر سایر حقوق بنیادین بشر برجای خواهد گذاشت.

ه- آزادی در تابعیت: (اصل ۴۱) شهروندان رسماً از عضویت مشروع و برابر در یک جامعه برخوردارند و هیچ عاملی نمیتواند عضویت مشروع شهروندان را از آنان سلب نموده و یا برای آن ها سلسله مراتبی قرار دهد لازم به ذکر است هرکسی قانوناً تبعه ایران باشد آزاد است از این تابعیت خارج شود و به تابعیت کشور دیگر درآید و اجبار افراد به تابعیت ایران با اصل ۴۱ قانون اساسی مغایرت دارد.

ک- آزادی تشکیل خانواده: (اصل ۱۰) خانواده پیش از آنکه یک سازمان حقوقی محسوب شود یک نهاد اجتماعی و ممتاز است. به همین جهت نیز مفهوم آن تابع نظام سیاسی جامعه است همچنین خانواده در حفظ اقتدار و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا میکند.

گفتار دوم- آزادی های فکری و اجتماعی:

الف- آزادی تشکیل مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز: (اصول ۲۶، ۲۷) آزادی ایجاد تشکلات سیاسی و اجتماعی از قبیل احزاب و انجمن ها ناشی از حق مشارکت است. از لوازم این آزادی حق افراد در پیوستن به این گروه ها و یا برپایی و شرکت و نظارت آنهاست. بدیهی است استفاده از این حق به نحو صحیح و در چارچوب نظام اسلام خواهد بود و اعمال آن در تعارض با اصل نظام اسلامی ممکن نیست.

ب- آزادی مطبوعات و نشریات: (اصل ۲۴) اولین گامی که برای کمک به تحقق مفاد دموکراسی برداشته شد حمایت از آزادی مطبوعات بود که بعدها این آزادی به قلمرو فعالیت های سایر رسانه ها تسری یافت این ابزار به ویژه برای آگاهی بخشی به مردم در بازه های زمانی انتخابات و سایر تصمیم گیری های مهم استفاده می شود

گفتار سوم- آزادی های سیاسی:

الف- آزادی تعیین سرنوشت و شرکت در انتخابات: (اصول ۱۰۷، ۱۰۰، ۶۲، ۱۱۴)، تعیین نمایندگان مردم برای قانونگذاری از راه انتخابات به عمل می آید از طریق انتخابات از میان تعداد زیاد نامزد ها که هر کدام بالقوه ممکن است منعکس کننده بخشی از گرایش های مردم باشند طرفدارترین آنها برگزیده میشود و به دنبال آن افرادی بنام نماینده اراده عام را در رکن قانونگذاری اعمال مینمایند. به بیان دیگر از آن جایی که نمایندگان مجلس از طریق آراء عمومی بدست می آید و ایفای وظایف آن امری ملی و اجتماعی محسوب می شود نمایندگان مجلس نمایندگان ملی محسوب میشوند و نه نمایندگان مردم، بنا براین به اعمال حاکمیت ملی می پردازند و در برابر ملت (نه مردم) مسئول هستند.

ب- آزادی انتخابات و همه پرسی از طریق آراء عمومی: (اصل ۶) جمهوریت در معنایی که قانون اساسی از آن یاد میکند به معنای اتکا به آرای عمومی و در واقع مردم سالاری است و میدانیم که یکی از مشهورترین تعاریف دموکراسی نیز همین معنا را بیان میدارد: دموکراسی طریقی برای توافق بر سر اصول مهم و مکانیسمی برای تجلی آرای ملت است.

فصل چهارم: تحلیل مصونیت ها در قانون اساسی

قانون گذار به منظور تضمین اجرای عدالت و جلوگیری از تعرض بی مورد نسبت به جریان عدالت خصوصاً سوء استفاده اصحاب ثروت و قدرت و زور و نیز اشرار و بزهکاران حرفه ای برای قضاات، مصونیت هایی را قرار داده است که عبارتند از:

الف- شغلی: (اصل ۱۶۴) مصونیت شغلی به این معنی است که قاضی را نمیتوان قبل از ثبوت جرم در دادگاه ذی صلاح با سلب صلاحیت قضایی به جهت عدم رعایت شئون قضا از شغل قضایی منفصل کرد یا محل خدمت وی را بدون موافقت و رضایت او تغییر داد

ب- تعقیب کیفری: (ماده ۴۲ قانون اصلاح تشکیلات دادگستری و استخدام قضاات) این نوع مصونیت در حقیقت مکمل مصونیت قبلی و عبارت از این است که دارندگان پایه های قضایی را نمیتوان بدون اجازه دادگاه عالی انتظامی قضاات و قبل از سلب مصونیت قضایی تحت تعقیب کیفری قرار داد. علاوه براین، نمونه های دیگری از جمله اصل برائت (۳۷) و اصل عطف بما

سبق نشدن قوانین (۱۶۹) و اصل قانونی بودن جرم و مجازات (۱۶۶) و... موارد مصونیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند.

نتیجه گیری

حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ستون اصلی ساختار حقوقی کشور، نقش اساسی در تضمین «حق و آزادی» و ایجاد «مصونیت» برای شهروندان ایفا می کند اصول متعددی همچون اصل ۲۳، اصل ۳۴ و اصل ۳۶ به طور مستقیم به آزادی های فردی، حق دادخواهی و مصونیت افراد از مجازات و بازداشت های غیرقانونی پرداخته اند و نشان می دهند که قانون اساسی در پی ایجاد تعادل میان کرامت انسانی و الزامات حکومتی است. با این حال چالش مهمی که در ایران وجود دارد نحوه اجرای این اصول در تقابل با ملاحظات سیاسی و دینی است؛ به گونه ای که در بسیاری موارد میان «حقوق و آزادی های فردی» و الزامات امنیتی و مذهبی کشور تضادهایی به وجود می آید. همچنین تجربه چهار دهه اخیر نشان داده است که نهادهای اجرایی و قضایی در تحقق کامل قانون اساسی با محدودیت های عملی و تفسیری رو به رو بوده اند و همین امر ضرورت بازنگری در شیوه های اجرای این حقوق را آشکار می سازد؛ بنابراین تحلیل حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که اگرچه این قانون از ظرفیت بالایی برای تأمین «حق و آزادی» و «مصونیت» شهروندان برخوردار است، اما تحقق عملی آن نیازمند اراده سیاسی، تفسیر حقوقی پویا و همسوسازی بیشتر میان مبانی اسلامی و اصول جهانی حقوق بشر است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- قاسم زاده، محمدرضا، ۲۰۱۶، حقوق بشر در قانون اساسی ایران، انتشارات، دانشگاه.
- ۳- حقوق بشر و حقوق اسلامی، بررسی تطبیقی، موسسه مطالعات حقوقی ایران، ۲۰۱۹
- ۴- عباسی، حسین، ۱۳۹۴، مبانی حقوق اساسی، تهران: سمت
- ۵- عبدالکریم، سروش، ۲۰۱۱، آزادی و دموکراسی در اندیشه اسلامی، انتشارات صدرا
- ۶- سلیمانی درچه، محمد، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم حق، ۱۳۹۳
- ۷- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، ج ۸: ۶۰۲۸،
- ۸- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹،
- ۹- ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۴۲،
- ۱۰- امین السلام طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، چ سوم، ج ۴، ص ۱۰۱
- ۱۱- عمید، حسن، ۱۳۶۱، فرهنگ فاسی عمید. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر،
- ۱۲- نوری، جواد، جزوه اساسی ۳، استاد دانشگاه آزاد واحد مشهد، ۱۴۰۴،
- ۱۳- جواد آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، فلسفه حقوق بشر. تهران: نشر اسراء،
- ۱۴- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ص ۲۰۵،
- ۱۵- محمد صالح نقره کار، دادستان در ترازوی حقوق بشر و شهروندی، چاپ ۱، جنگل، ۱۳۹۱
- ۱۶- فائزه عظیم زاده اردبیلی ولیلا خسروی، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب (ج ۱) مبانی حقوق زنان، حق حیات و حق تأمین اجتماعی، (چ ۱)، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸،
- ۱۷- محمدرضا محمدی کشکولی، دادگاه کیفری استان ساختار و صلاحیت و شیوه رسیدگی، چاپ ۱، بهنامی، ۱۳۹۰

- ۱۸- عبدالله خدابخشی، مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تاثیر آن در رویه ی قضایی (ج ۱) (قواعد عمومی دادرسی نخستین واثبات دعوا)، چاپ ۱، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- ۱۹- فرید محسنی فحریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه) چاپ ۱، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- ۲۰- حسین مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ۳، دادگستری، ۱۳۹۱.
- ۲۱- احمد رفیعی، قانون کار در نظم حقوقی کنونی (دفتر پنجم حقوق کار_محشای قانون کار) چاپ ۱.
- ۲۲- سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران حاکمیت و نهاد های سیاسی (ج ۲) چاپ ۲۳، میزان، ۱۳۹۱.
- ۲۳- امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۳، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸.
- ۲۴- محمد یکرنگی، جرایم علیه اجرای عدالت قضایی (مطالعه تطبیقی) چاپ ۲، خرسندی، ۱۳۹۱.
- ۲۵- سیاوش فرامرزی، مبانی و جایگاه حریم خصوصی با رویکرد به اصل ۸ قانون اساسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰.
- ۲۶- سید ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته های حقوق اساسی، چاپ ۳۸، میزان، ۱۳۸۹.
- ۲۷- نشریه دادرسی شماره ۴۶ مهر و آبان ۱۳۸۳، سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۳.
- ۲۸- مسعود خدیمی، بررسی تطبیقی آزادی رفت و آمد در اسناد و رویه ی بین المللی و نظام حقوقی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- ۲۹- جلیل قنواتی، نظام حقوقی اسلام، چاپ ۱، دفتر تحقیقات و تدوین کتب درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- 30- Berlin/isaiah/four essays on liberty.1969
- 31- Taylor.c /whats wrong with negative liberty/1985.law and morality.3rd ed.ed.david dyzenhaus/sophia reibetanz moreau and arthur ripstein.toronto:u of torontop/2008.359_368,
- 32- convention on the privilegers and immunities of the united nations/convention on the privilegers and immunities of the specializedagencies /united nations

Analysis of the Rights of the Nation in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Javad Nouri¹, Abolfazl Zamiri²

1-PhD candidate in public Law, Department of Law, Islamic Azad University, Qom Branch Iran

2-Bachelors Student of Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran

Abstract

The Constitution of the Islamic Republic of Iran, as the most fundamental legal document of the country, outlines the rights of the people through various principles. These rights are primarily defined in terms of “rights and freedoms”, “protection,” and other individual and social rights, which face various challenges and opportunities both theoretically and practically. Article 23 of the Iranian Constitution explicitly refers to individual freedoms, including freedom of thought and expression, and other principles such as Articles 34 and 36 deal with the protection of individual from torture and illegal detention. This constitution, by combining religious principles and human rights, aims to safeguard national interests and security while ensuring individual rights and freedoms within the framework of Islamic principles. This study analyzes and elaborates on the rights of the people in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, particularly how these rights are defined and implemented in light of human rights principles and development of democracy to ensure public security and well-being. Additionally, it will examine the challenges in implementing these rights in Iran and the potential conflicts between individual rights and religious and political obligations.

Keywords: People's Rights, Constitution, Individual Freedoms, Human Rights
